تعميق آيين ميانه گرايي دربرداشت از شريعت

تعميق آيين ميانه گرايي دربرداشت از شريعت

دكتر محمود ويسي

استاد دانشگاه مذاهب اسلامي

چكيده:ميانه گرايي يا وسطيت و اعتدال از مباحث بنيادين فهم صحيح دين و برداشت‌هاي دقيق و عميق از آموزه‌هاي ديني مي‌باشد. تعميق انديشه ي وسطيت و ميانه گرايي دربرداشت از شريعت، بستر ساز تقريب و تقارب ميان افكار و انديشه ها، مذاهب و ملل ونحل گوناگون مي‌باشد.نگارنده ي اين مقاله برآن است تا بعد از ارائه ي تعريف لغوي و اصطلاحي ميانه گرايي، راههاي تعميق آيين ميانه گرايي در برداشت‌هاي گوناگون از شريعت را باز خواني نموده وفقدان آن را عامل دور شدن عقلها و قلبها معرفي كند.

كليد واژه ها: ميانگرايي، وسطيت و اعتدال، شريعت .

مقدمه

ضرورت پرداختن به مقوله ميانه گرايي و نهادينه ساختن وبه صورت فرهنگ رايج و حاكم در آوردن آن درميان اقشار مختلف جامعه بر كسي پوشيده نيست.ايجاد فضاي مناسب براي طرح آراء و انديشه ها و پويايي بخشيدن به برداشت‌هاي مفيد و كارآمد و راهبردي از آموزه‌هاي شريعت منوط به تعميق آيين ميانه گرايي واندیشه ي وسطيت و اعتدال در برداشت هاوعمل كردن به آنهاست.واين خود، جهدو تلاش مضاعف كساني را كه دغدغه ي دين و دين داري مردم را دارند، مي‌طلبد. بنابراين فهم درست مقوله ميانه گرايي از نگاه شريعت پيش شرط برداشت صحيح و عمق بخشيدن به آن است.

ميانه گرايي يا وسطيت:وَسَط اسم براي مابين دو چيز است و در كميت‌هاي متصل الأجزا به كار مي‌رود.لذا ميانه روي و ميانه گرايي همان وسطيت و اعتدال در مفهوم قرآني آن است كه عبارت از دوري

نمودن از هرگونه افراط و تفريط در قول و فعل و انديشه است.[1]

مفهوم شرعي و اصطلاحي ميانه گرايي: همانطور كه بيان گرديد ميانه گرايي مترادف اعتدال و وسطيت بوده و در قرآن به شكل‌هاي زير آمده است: ريشه اعتدال يعني عدل 27 بار در قرآن آمده است به عنوان مثا:«لإن ا يأمركم أن تؤدوا الأمانات إلي أهلها و إذا حكمتم بين الناس أن تحكموا بالعدل...»[2] وآيه ي:«إن ا يأمر بالعدل و الإحسان و ... »وآيات ديگر.[3] هم چنين كلمه وسط و مشتقاتش بار در قرآن آمده كه به عنوان مثال به آيه:«وكذلک جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهدآء علي الناس...»[4] .و در حديث صحيح آمده است كه:«الو َس َط العدل»[5] .بنابر اين براي اينكه مفهوم ميانه گرايي وضوح بيشتري پيدا كند، لازم است كه به بررسي دقيق تر مترادف آن يعني وسطيت و عدل يا اعتدال در قرآن پرداخته شود.با توجه به حديث پيامبر(صلي ا عليه و سلم) وسط همان عدل است و نسبت ميان عدل و اعتدال يا ترادف و تساوي است و ياعموم و خصوص مطلق، زيرا اعتدال از عدل فراگيرتراست و همه ي شوؤن حيات انساني را سامان مي‌بخشد. اما وسط به عنوان صفت براي امت يعني امتي كه از هر گونه افراط و تفريط در زمينه‌هاي مختلف به دور است و سيد قطب(رحمه الله)در تفسير امت وسط گفته است: وسطيت به معني نيكويي و فضيلت واعتدال و ميانه روي و توازن مي‌باشدو در زمينه ي بينش واعتقاد، تفكر و انديشه واحساس، تنظيم و برنامه ريزي و روابط عمومي در همه ي زمانهاو مكانهاست.[6] با اندكي تأمل و دقت در معناي لغوي و اصطلاحي ميانه گرايي در مييابيم كه امت مسلمان امتي است عادل، فاضل، معتدل، متوازن و به دورازهرگونه افراط و تفريط و بر صراط مستقيم در حركت به سوي كمال مطلوب است. تعبير الوسطي در آيه «حافظوا علي الصلوات والصلوة الوسطي..»[7] كه صفت نماز است صرف نظر از مصاديقي كه براي نماز وسطي در تفاسير آمده، مي‌توان گفت و ُسطي بر وزن فُعلي صيغه تفضيل است و به معني وسط تر و ميانه ترمي باشد.[8] بنابر اين هر نمازي را كه به دور از افراط و تفريط در قلب و قالب باشد، شامل مي‌شود.هم چنين تعبير اوسط 2بار در قرآن آمده يكي آيه ي:«...من أوسط ما تطعمون أهليكم...»[9] و ديگري آيه ي«قال أوسطهم ألم أقل لكم...»[10] ا ً وسط به معني عادل ترين و بهترين و متعادل ترين آنهاست. تعبير و َس َطن در آيه «فو َس َطن به جمعا»[11]به معني دروسط قرار دادن و در ميان گرفتن است. بنابراين اصطلاح وسطيت و مشتقاتش از لحاظ لغوي و شرعي بر معاني زير دلالت دارد: 1- افضل واعدل2- وسط وميانه ي دو شر، كه خيراست شر افراط وشر تفريط3-حد فاصل ميان دو چيز خوب و بد.اما براي اينكه معني وسطيت و ميانه گرايي بيشتر واضح شود لازم است دو طرف آن يعني افراط و تفريط شناخته شود.[12]

افراط عبارت است از تجاوز و گذشتن از حد و غلوّ در كارها و تفريط عبارت است از تضييع و كوتاهي و سهل انگاري در انجام وظائف و فرائض.اساس افراط و تفريط و دوري از ميانه گراييـ؛ جهل است، چون از علي بن ابي طالب رضي ا عنه روايت شده كه:لا يري الجاهلُ إلا مفرِطا أومفرِطا"[13].انسان نادان جز در لباس افراط و تفريط ديده نمي شود.پس هر چه انسان به مرز افراط و تفريط نزديک شود به همان

اندازه از اعتدال و ميانه گرايي دور مي‌شود.از طرفي تعبير صراط مستقيم در قرآن گوياي مسير و راهي است كه سالك آن اهل ميانه گرايي در بينش و منش مي‌گردد.اين تعبير 40 بار در قرآن آمده است كه به عنوان نمونه مي‌توان به آيات «اهدنا الصراط المستقيم»[14]و«وأن هذا صراطي مستقيما فاتبعوه...»[15]اشاره نمود كه همه به معني راه راست و ميانه و موافق با شريعت هستند.راهي كه اعوجاج در آن راه ندارد و به دور از هر گونه افراط و تفريط است. در معرفي صراط مستقيم خداوند ميفرمايد:«صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولاالضالين»[16] بخش اول آيه ناظر به كساني است كه معتدل و ميانه رو هستند و بخش دوم "غير المغضوب عليهم" اشاره به اهل افراط و تندروي است، چرا كه حق را شناخته اند اما بر آن استقامت نورزيده اند و بخش پاياني "ولا الضالين" ناظر به اهل تفريط و تقصير است، چرا كه نه حق را شناخته اند و نه اهل استقامت بوده اند .بنابر اين صراط مستقيم همان راه اعتدال و ميانه گرايي است.

بعد از بيان اجمالي معني لغوي واصطلاحي ميانه گرايي و رابطه آن با مفاهيم مترادفش يعني وسطيت، اعتدال، استقامت، به بررسي ويژگيها و فوائد و راه‌هاي تعميق آيين ميانه گرايي در برداشت از شريعت مي‌پردازيم.

ويژگي‌هاي ميانه گرايي مطلوب:

آشنايي با ويژگي‌هاي ميانه گرايي، نقش مؤثر در تشخيص برداشت‌هاي ميانه گرايانه از شريعت دارد .در اينجا به برخي از مهم ترين اين ويژگيها اشاره مي‌كنيم:

ويژگي اول: اينكه خداوند همه چيز را در مكان مناسب خود قرار داده است و اين ناشي از عدل اوست همچنانكه امام علي رضي ا عنه مي‌فرمايد: العدل يضع الامور مواضعها. [17]شهيد مطهري معتقد است كه عدل معاني و كاربردهاي مختلفي دارد از جمله:

الف - موزون بودن: مجموعه اي كه داراي اجزاي مختلف است و هدف خاصي را دنبال مي‌كند بايد از حيث مقدار و كيفيت ارتباط اجزا با يكديگر شرايط معيني داشته باشند و تنها در اين صورت است كه آن مجموعه مي‌تواند باقي بماند و نقش موثر خود را ايفا نمايد .

ب- تساوي و نفي هرگونه تبعيض كه معني دوم عدل است يعني اينكه هر كس به حسب ظرفيت و نيازش از امكانات برخوردار گردد واين خود سبب ايجاد اعتدال در جامعه مي‌شود .

ج – رعايت حقوق افراد و عطا كردن حق به صاحبان آن .[18]

ويژگي دوم: سهولت و عدم حرج در اجراي فرامين و احكام . خداوند مي‌فرمايد:« يريد ا بكم اليسر و لايريد بكم العسر »[19] و«وما جعل عليكم في الدين من حرج»[20]

ويژگي سوم: حكيمانه بودن است .خداوند مي‌فرمايد:« يؤتي الحكمة من يشاء و من يؤت الحكمة فقد أوتي خيرا كثيرا »[21]

حكمت فضيلتي است كه از به تعادل رسيدن قوه عقليه پديد مي‌آيد، لذا حكمت يعني قرار دادن هر چيزي

در محل مناسب خود که با عدالت انطباق دارد . با توجه به این ویژگیها تشخیص میانه گرایي واقعي از میانه گرایي شکلي و ظاهري قابل تفکیک است. بنابراین وسطیت یا میانه گرایي قابل انطباق در هر زمان و مکاني است زیرا عدل و وسطیت و میانه گرایي، همان میزاني است که شریعت و قانون الهي بیان کننده آن است و منظور از آن تنها وسط و میانگین ظاهري نیست، بلکه منظور هماهنگي بیرون و درون و عمل شایسته در ظاهر و نیت پاکیزه در باطن است .پس میانه گرایي؛ بیان موازین تربیتي و اخلاقي است که از خود شروع مي‌شود وبه خود پایان مي‌گیرد و برداشت‌هاي میانه گرایانه از شریعت محصول روان‌هاي متعادل و شخصیت‌هاي متوازن است.

خداوند در آیه دیگري چنین مي‌فرماید:«اعدلوا هو أقرب للتقوی»[22]عدالت را برنامه خود قرار دهیدکه با تقوي قرابت بیشتري دارد(به عبارتي عدالت ثمره ي طبیعي تقواست.)پس براي اینکه از برداشت‌هاي میانه گرایانه در شریعت برخوردار شویم، لازم است انسان‌هاي میانه گرا داشته باشیم و یا تربیت نماییم. وشخصیت میانه گرا و متعادل شخصیتي است که به آنچه در اطرافش مي‌گذرد نگاهي معتدل، مثبت نگر، رضایت مندانه دارد ومیان حقوق و واجبات توازن برقرار مي‌کند. روانشناسي اسلامي بر این باور است که برداشت‌هاي افراطي و تندروانه از شریعت ناشي از جهالت و نقص در تربیت است.لذا اعتدال و میانه گرایي در فهم و سلوک نیاز اساسي در هر عصر و نسلي است وهنگامي که انسان مرز میانه روي و اعتدال را در پهنه ي وجود خود و دیگران سامان دهد، یقینا به بالاترین پایه‌هاي علم و عمل دست مي‌یابد وجامع خصلت‌هاي نیکو، مرونت ونرمي در حل مشکلات، آرامش همراه با اعتماد به نفس مي‌گردد.[23]

فوائد میانه گرایي

هر چند پس از بیان دیدگاه قرآن در ارتباط با میانه گرایي و وسطیت و تأکید قرآن به رعایت میانه گرایي و اعتدال، جایي براي تردید باقي نمي ماند و یقین حاصل مي‌شود که اعتدال امري مشروع و پسندیده ونیاز مبرم عصر و نسل ماست، اما بیان مواردي از فوائدآن خالي از فائده نیست .

-میانه گرایي و اعتدال مظهر عدل و عدالت است و عدالت خود محصول سه فضیلت حکمت، شجاعت و عفت مي‌باشد.

-وسطیت و اعتدال با فطرت انسان ها سازگار و پاسخگوي نیازهاي جامعه در زمینه‌هاي مختلف است.

-اعتدال و وسطیت عامل تقویت اقتدارفرد و جامعه و پویایي بخشیدن به آنهاست.[24]

-میانه گرایي ووسطیت عامل تقویت وحدت و یکپارچگي در میان آحاد جامعه است و رمز مقاومت و پایداري ملت در مبارزه با مشکلات و بحران هاست.

اقسام وسطیت و میانه گرایي

-وسطیت و میانه گرایي در عقیده و سلوک: که منظور از آن رعایت اعتدال در فهم و عمل و دوري از افراط و تفریط در فهم و تطبیق مباني اعتقادي و اخلاقي است.

-ميانه گرايي جغرافيايي: منظور از آن قرار گرفتن مركز تبليغ شريعت در وسط سه قاره موجود در زمان بعثت مي‌باشد و رعايت وسطيت در انتخاب مكان دعوت عامل مؤثر در انتشار دعوت ديني بوده است.

-وسطيت زماني: منظور از آن زمان آغاز بعثت آخرين پيامبر است كه مقطع زماني ميان عقب ماندگي فكري و فرهنگي و آمادگي براي پذيرش ارزشها و قانون متكامل خدايي بود.

-وسطيت در عبادت: كه منظور ازآن انجام عبادات به دور از افراط و تفريط است طوري كه تغيير رفتاري مطلوب را ايجاد نمايند.

-اعتدال در خوردن و آشاميدن و همچنين در حقوق و تكاليف و آزادي و حدود آن.[25]

لازم به ذكر است كه موارد فوق الذكر به عنوان نمونه هايي از اقسام مشهور ميانه گرايي مطرح مي‌باشند.

برداشت ميانه گرايانه از شريعت

بايد بدانيم ميانه گرايي و وسطيت به مثابه ي مدرسه اي است كه نياز اساسي عصر ما براي خروج موفق از بحرانهاي گوناگون در عرصه‌هاي مختلف مي‌باشد.لذا اگر به شكلي نهادينه شود كه بتواند تفاوتهاي فكري و فقهي و فردي و... را لحاظ نمايد، محصول آن برداشت‌هاي معتدل و ميانه گرايانه خواهد بود.بنابر اين مهم ترين نياز امت اسلامي داشتن ديدگاهي روشن و كاربردي در رابطه با پروژه وسطيت مي‌باشد. لذا ميانه گرايي يک حركت اجتهادي نوگرا در معرفي دين اسلام به صورتي است كه بتواند با وضعيت موجود جهاني تعاملي دقيق وهوشمندانه داشته باشد و در عين التزام به مبادي و اصول با متغيرات و مسائل مستحدثه عالمانه و واقع بينانه برخورد نمايد.پس وسطيت جامع ميان اصالت و عصري بودن، ثوابت و متغيرات، عزيمت و رخصت و حفظ مقاصد شريعت به دور از هر گونه افراط و تفريط در حقوق و واجبات، دوري از تشدد در فروع و جزئيات و تساهل در اصول و كليات، دوري از غلو در تعظيم عقل و تفريط در تحقير آن است.

تعميق آيين ميانه گرايي در برداشت از شريعت

تعميق آيين ميانه گرايي در برداشت از شريعت مستلزم بيان مضرات و سلبيات فقدان ميانه گرايي در برداشت هاست. به همين خاطر لازم است كه با آثار مخرب افراط و تفريط در زمينه‌هاي مختلف آشنا شويم تا با پرهيز از آنها آيين ميانه گرايي در برداشت از شريعت را تعميق بخشيم.برخي از اين آثار عبارتند از:

1-تعصب و جزم انديشي و خود حق پنداري

2-سخت گيري نابجا و تشدد خارج از حدود كه به درشت گويي در گفتار و خشونت در رفتار منجر گردد.

3-سؤ ظن داشتن به ديگران و متهم ساختن آنها بدون دليل محكم و قابل قبول.

4-فقدان بصيرت و آگاهي لازم.

5-عبوديت ظاهر نصوص به جاي تحليل دقيق و عالمانه آنها.

6-نبود مدارس فكري و دعوي ميانه گرايانه و عدم استفاده از اهل اعتدال در فكر و انديشه و سلوک در سطوح مختلف آموزشي.

سخن آخر

با توجه به مطالب گفته شده با قاطعيت مي‌توان گفت كه ميانه گرايي شريعت يكي از مهم ترين مباني و ويژگيهاي دال بر پويايي دين در پاسخگويي مستمر به سؤالات و معضلات بشر است و اين خود منوط به استخراج و استنباط برداشت‌هاي ميانه گرايانه از دين به وسيله اهل فن است .زيرا طبيعت شريعت مشتمل برهمه ي ظرفيت‌هاي لازم براي همنوا وهمگام شدن با همه ي تغييروتحولات وترقيات جامعه ي بشري است.در اين راستا بهره گرفتن از امكانات موجود براي تعميق انديشه ي وسطيت و بازخواني ضرورت ميانه گرايي در بينش و منش و برداشت‌هاي كار آمد و مؤثر گامي ارزشمند در فرهنگ سازي و غنا بخشيدن به اين مقوله ي فراموش شده مي‌باشد.

منابع و مآخذ

قرآن كريم

ابن ابي الحديد، عزالدين(1378)، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، قاهره، داراحياء الكتب العربيه.

حسن محمد شرقاوي، گامي فراسوي روانشناسي اسلامي، ترجمه سيد محمد باقر حجتي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي (1366).

سيد قطب ابراهيم حسين شازي، في ظلال القرآن، دار الشروق، الطبعه العاشره، 1402ه، 1982م.

غزالي ابو حامد محمد، احياء علوم الدين، عالم الكتاب، بي تا.

صلابي علي محمد، الوسطيه في القرآن الكريم، دار النفائس، الطبعه الاولي، الاردن، 1419 ه.

ابن منظور، محمد بن مكرم(1405)، لسان العرب، نشر ادب الحوزه.

---

[1]ـ لسان العرب،ابن منظور ،ج 2 ،ص 4279-4280.

[2]ـ سوره نساء آيه 58.

[3]ـ سوره نحل آيه 90.وانعام 152وبقره 123،282،48ونساء29،131 1ومائده 8،95،106واعراف 159وشوري 15وحجرات 9و...

[4]ـ سوره بقره آيه 143.

[5]ـ رواه البخاري.

[6]ـ في ظلال القرآن،سيد قطب،ج1،ص131.

[7]ـ سوره بقره آيه 238.

[8]ـ روح المعاني،سيد محمود آلوسي،ج1،ص155.

[9]ـ سوره مائده آيه 89.

[10]ـ سوره قلم آيه 28.

[11]ـ سوره عاديات آيه 5.

[12]ـ الوسطيه في القرآن الكريم، صلابي علي محمد، ص 243.

[13]ـ نهج البلاغه، امام علي، ص245.

[14]ـ سوره فاتحه آيه 6.

[15]ـ سوره انعام آيه 153.

[16]ـ سوره فاتحه آيه 7.

[17]ـ نهج البلاغه ، امام علي ، ص735-734

[18]ـ عدل الهي – مرتضي مطهري ص60-59

[19]ـ سوره بقره آيه 185.

[20]ـ سوره حج آيه 78.

[21]ـ سوره بقره آيه 269

[22]ـ سوره مائده آيه 8.

[23]ـ گامي فراسوي روانشناسي اسلامي،دكتر حسن محمد شرقاوي،ص 275-271.

[24]ـ احياء علوم الدين ،امام محمد غزالي،ج 3،ص 342.

[25]ـ مجله الامه الوسط،السنه الاولي2009م شماره او،لالاتحاد العالمي لعلماء المسلمين،بيروت.